

تأثیر جنگ جهانی دوم در بروز بحران نان و غلات در زنجان (۱۳۲۰-۱۳۲۲)

شوکت افشاری*، ابوالفضل رضوی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران - ایران؛ دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی، تهران - ایران

تاریخ دریافت: (۱۳۹۹/۰۴/۲۱) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۹/۱۰/۱۱)

The Impact of World War II on the Bread and Cereal Crisis Incidence in Zanjan (1941-1943 AD)

Shokat Afshari*, Abolfazl Razavi

PhD Student in History of Islamic Iran, Kharazmi University, Tehran-Iran;

Associate Prof, Department of History, Kharazmi University, Tehran-Iran

Received: (2020/ 07/ 11)

Accepted: (2020/ 12/ 31)

Abstract

Zanjan city had played a significant role in contemporary history, due to being located between Tehran and Azarbaijan. During World War II, this city due to the placement on the levelled roads and railway attracted the attention of Allies at first. When Iran was divided between The Allies at 1320, Zanjan and other northern cities was transferred to Soviet. After this turning point, the Soviet's political- economic encroachment and interference in Zanjan city is appeared and the cause of the shortage of bread and cereal was the plunder measures of them in Zanjan. The Present study seeks to explain the condition of Zanjan during the World War II as long as looking for the answer of this question: what was the effect of The Allies' economic orientation in the dearth and famine, shortage of bread and cereal in Zanjan? According to the documents from 1319, wheat and other products' harvest in zanjan was in a good amount But The Soviets caused the shortage of bread and the local people's revolt with some steps such as buying wheat from free market, exporting the excess amount of wheat and other products and also dealership and hoarding.

The present research approach is descriptive- analytic and the data has been collected by documentary method and library resources, field research and oral interview.

Keywords: hoarding, the Economy, World War II, Zanjan, the Soviet Union, Cereals.

چکیده

شهر زنجان به دلیل واقع شدن بین آذربایجان و تهران اهمیت و نقش به‌سزایی در تاریخ معاصر داشته است. طی جنگ جهانی دوم این شهر به علت قرار گرفتن در مسیر ریلی و راه‌های شوسه توجه اولیه متفقین را جلب نمود. در سال ۱۳۲۰، که متفقین ایران را بین خود تقسیم کردند، زنجان به همراه سایر شهرهای شمالی به شوروی واگذار شد. پس از این تاریخ شاهد دخالت‌ها و دست‌اندازی‌های سیاسی - اقتصادی در زنجان هستیم. حضور و اقدامات چپاول‌گرانه نیروهای شوروی در زنجان، سبب کمبود نان و غلات در شهر شد. پژوهش حاضر در پرتو تبیین وضعیت زنجان در جنگ جهانی دوم، درصدد پاسخ به این پرسش است که: جهت‌گیری اقتصادی متفقین در قحط و غلا و کمبود نان و غلات در زنجان چه تأثیری داشت؟ بر طبق اسناد موثق در سال ۱۳۱۹، برداشت گندم و سایر محصولات در زنجان خوب بوده است. اما شوروی با اقداماتی نظیر خرید گندم از بازار آزاد، صدور گندم مازاد بر مصرف سربازان خود، همچنین دلالتی و احتکار برخی از افراد سودجو، سبب کمبود نان در شهر و شورش مردم شد. رویکرد تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی و داده‌ها به روش اسنادی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی و مصاحبه شفاهی گردآوری شده است.

کلیدواژه‌ها: احتکار، اقتصاد، جنگ جهانی دوم، زنجان، شوروی، متفقین.

۱. مقدمه

زنجان در طول تاریخ معاصر ایران به عنوان دروازه آذربایجان و نزدیکی به پایتخت همواره مورد توجه بوده است. پس از آغاز جنگ جهانی دوم و بلافاصله به دنبال تقسیم ایران توسط متفقین، زنجان در اختیار شوروی قرار گرفت. راه‌های شوسه و مسیر ریلی، دسترسی شهر زنجان به آذربایجان و تهران را تسهیل می‌کرد. به نظر می‌رسد دو عامل اساسی نقش بسزایی در جلب توجه نیروهای شوروی به این شهر داشته است: اولین عامل مسیر کوتاه زنجان به شوروی بود که می‌توانست در کمک‌رسانی متفقین به شوروی مهم باشد. دومین عامل حاصلخیزی و رونق کشاورزی شهر زنجان بود که در تهیه گندم، مورد توجه حکومت مرکزی و متفقین قرار گرفت. نیروهای شوروی با در اختیار گرفتن انبارهای گندم در تأمین نان روزمره مردم شهر خلل ایجاد کردند. بر طبق اسناد موجود یک سال قبل از ورود متفقین به زنجان اوضاع کشاورزی زنجان خوب و گندم به اندازه کافی در دسترس مردم بوده است. اما نیروهای شوروی گندم‌های جمع‌آوری شده را که گاه از طریق خرید گندم از مجراهای غیرقانونی مانند بازار آزاد بود به خارج از شهر منتقل می‌کردند و شهر با کمبود و قحطی نان مواجه می‌شد. با وجود برخی اقدامات مفید در جهت سروسامان دادن به اوضاع نان از سوی برخی از اعیان شهری، مردم دست به شورش زدند و مرد و زن در این شورش شرکت کردند و بلوای نانی دیگر شکل گرفت. در این اوضاع نامساعد اقتصادی عده‌ای از طریق دلالی و احتکار بر وخامت هرچه بیشتر اوضاع افزودند. تلاش رئیس

خواربار زنجان با توجه به دستورات آرتور میلسپو^۱ و شریدان^۲ در جهت سمت و سو دادن به جمع‌آوری گندم از روستاهای زنجان و برخی اقدامات بزرگان شهری مانند خاندان ذوالفقاری در این برهه تاریخی، کمبود نان سبب قحطی به مانند جنگ جهانی اول نمی‌شود. این مقاله، با تکیه بر منابع موجود و اسناد حاضر و رویکرد توصیفی - تحلیلی و تبیین موضوع درصدد پاسخ به این سؤال است که جهت‌گیری اقتصادی متفقین در قحط و غلا و کمبود نان و غلات در زنجان چه تأثیری داشته است؟ مدعای مطرح شده این است که حضور نیروهای متفقین در زنجان و دست‌اندازی به انبارهای گندم و بعضاً خروج گندم به خارج از شهر از مهم‌ترین علل قحطی و کمبود نان است.

۲. پیشینه پژوهش

در اغلب پژوهش‌ها، تاریخ محلی زنجان با رویکرد سیاسی بررسی شده است. بررسی وضعیت اقتصادی زنجان علی‌الخصوص بحران نان و غلات در این دوره تاریخی نادیده گرفته شده است. در کتاب نگاهی به فراز و فرودهای فرقه دموکرات آذربایجان در زنجان، نوشته مسعود بیات به صورت کلی به وضعیت اقتصادی زنجان پرداخته شده اما به صورت جزئی کمبود نان و غلات و شرایط تولید گندم در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۲، مورد توجه و پژوهش قرار نگرفته است. کتاب گوشه‌هایی از تاریخ معاصر زنجان در جنگ جهانی دوم، نوشته ذبیح‌الله شاه محمدی رویکردی اتوبیوگرافی داشته و در لابه‌لای خاطرات خود که

1. Arthur Millspaugh
2. Sheridan

بخش عمده‌ای از آن به وضعیت زنجان در جریان تشکیل فرقه دموکرات اختصاص دارد، اطلاعات زیادی درباره کمبود نان و غلات ندارد. این مقاله به دلیل پرداختن به وضعیت اقتصادی زنجان از بُعد کمی نان در شهر، طی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۲، موضوعی بدیع و نو است. به دلیل کمبود منابع در این زمینه، تلاش شده است از طریق اسناد منتشر نشده و روزنامه و مصاحبه شفاهی گوشه‌هایی از تاریخ معاصر زنجان نمایان شود تا هم هاله ابهام تاریخ اقتصادی زنجان در این دوره کنار زده شود و هم کمکی به تاریخ عمومی ایران شود. اسناد مورد بررسی که حاصل گزارش رئیس خواربار زنجان به شریدان است، بخشی به زبان انگلیسی و بخشی به زبان فرانسه است. همین امر استفاده از اسناد را دشوار کرد. لذا نهایت تلاش برای معادل‌سازی و روان‌سازی اسناد بدون اینکه به محتوای آنها آسیبی برسد، صورت گرفته است. این مقاله پس از تأمل بر وضعیت سیاسی - اقتصادی زنجان در جنگ جهانی دوم، چگونگی کشت غلات در شهر، زمینه‌های کمبود نان را با در نظر گرفتن عوامل داخلی و خارجی مورد بحث قرار خواهد داد.

۳. ورود متفقین به ایران

در سال ۱۳۲۰ش (۱۹۴۱م) با وجود اعلام بی‌طرفی، متفقین ایران را اشغال کردند. خطوط ارتباطی ایران مهم‌ترین عاملی بود که توجه دو دولت انگلیس و شوروی را جلب کرد (استوارت، ۱۳۷۹: ۸۹). رابرت ایدن^۱ وزیر خارجه انگلیس

هدف از اشغال ایران را کمک‌رسانی به شوروی بیان می‌کند که در حال جنگ با آلمان بود (خان ملک یزدی، ۱۳: ۱۳۶۲). کابینه فروغی در ششم شهریور ۱۳۲۰ش با ارسال یادداشت‌هایی برای سفیران شوروی و انگلیس ضمن اعلام ترک مخاصمه از سوی ارتش ایران، از دو دولت ذی‌نفع تقاضا کرد عملیات جنگی در خاک ایران را متوقف سازند (آوری، ۱۳۷۶: ۲/ ۱۶۵؛ سیف‌پور فاطمی، ۱۳۷۹: ۴۷). دولتین نیز برای ترک مخاصمه از دولت ایران تضمیناتی را خواستار شدند:

الف) دولت ایران باید قوای خود را در جنوب خطی که از مغرب به مشرق از نقاط زیر می‌گذرد، عقب ببرد: قصبه اشنودر در جنوب غربی دریاچه رضائیه، حیدرآباد و میاندوآب (جنوب دریاچه رضائیه)، زنجان، قزوین و خرم‌آباد در ساحل دریای خزر، بابل، زیرآب، سمنان، شاهرود در مشرق علی‌آباد و همچنین از شمال و شرق نیروهای خود را خارج کند. نواحی واقع در جنوب و مغرب این خط را موقتاً قشون انگلیس اشغال کرد (تبرائیان، ۱۳۷۱: ۸۹).

ب) دولت ایران باید تعهد نماید برای حمل و نقل کالاها، از جمله مواد جنگی که به مقصد اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر انجام می‌شود، هیچ‌گونه مانعی ایجاد ننماید؛ همچنین حمل هر نوع کالا و مواد را از طریق راه‌های شوسه و راه آهن و یا خطوط هوایی تسهیل نماید (همان‌جا).

ج) خروج نیروهای متفقین از خاک ایران: در ۹ بهمن ۱۳۲۰ش، بر طبق پیمان سه‌گانه که به تصویب مجلس رسید، قرار بر این شد که نیروهای اشغالگر متفقین در ظرف ۶ ماه پس از پایان جنگ،

از ایران خارج شوند (خان ملک یزدی، ۲۰: ۱۳۶۲). با وجود چنین قراردادی در سال‌های پس از پایان جنگ همچنان نیروهای متفقین در ایران حضور داشتند. بالاخره پس از کنفرانس پوتسدام که در سال ۱۹۴۵م تشکیل شد متفقین موافقت کردند تهران را تخلیه کنند (سیف‌پور فاطمی، ۱۶۳: ۱۳۷۹).

اوضاع سیاسی ایران با ورود نیروهای متفقین بسیار وخیم شد. رضاشاه استعفا داد در نتیجه دولت مرکزی عملاً از هم فروپاشید و پایتخت و سایر شهرهای ایران آماج هرج و مرج قرار گرفت. ارتش ایران که رضاشاه خود را بانی آن می‌دانست در اولین حملات متفقین از هم فرو پاشید. کابینه‌های دولتی یکی پس از دیگری سقوط می‌کردند و عمر بعضی از آنها حتی به چندماه هم نمی‌رسید (عظیمی، ۱۳۷۴: ۵۴). اشغال ایران بار دیگر فجایع جنگ جهانی اول را به شکل دیگری تکرار کرد و استان‌های شمالی تحت کنترل شوروی و استان‌های جنوبی بی‌منازعه در اختیار انگلیس قرار گرفت. روس‌ها تقریباً حاکمیت دولت ایران را در استان‌های شمالی کشور نقض کرده بودند. همین امر بعدها زمینه را برای حمایت از حرکت‌های جدایی‌طلبانه در سال‌های پس از جنگ فراهم کرد (آوری، ۱۳۷۶: ۲/۲۷۷).

۴. کمبود غلات و نان در ایران

حمله متفقین به ایران، علاوه بر هرج و مرج سیاسی، اوضاع اقتصادی کشور را نیز از هم گسیخت. یکی از نمایندگان دوره سیزدهم به نام حریری، اوایل سال ۱۳۲۰ قحطی نان را هشدار داده بود:

در پاییز دهات که منبع غله دولت بودند به‌واسطه

ناامنی نتوانستند تخم افشانی کنند. اگر در بهار نیز نتوانند بذرکاری کنند قطعاً قحطی خانه‌براندازی را ایجاد و بالطبع موجب خرابی اوضاع خواهد شد (کرمانی کوهی، بی‌تا: ۴۲۱).

حمله متفقین و فروپاشی اقتدار دولت ایران هنگامی به وقوع پیوست که در مناطق اصلی، زراعی از جمله زنجان، عملیات برداشت محصول سال قبل در جریان بود.

کوشش‌های مسئولان برای جمع‌آوری نیازمندی‌های شهرها در بیشتر موارد متوقف شد. نیازهای متفقین و سیاست‌های مالی و اقتصادی که آنان به دولت دیکته می‌کردند، وضع را خیم‌تر می‌کرد (عظیمی، ۱۳۷۴: ۶۳؛ مکی، ۱۳۷۴: ۸/۲۶۹؛ جلال‌پور، ۱۳۹۱: ۱۵۷).

در سال ۱۳۲۱ دولت شوروی قراردادی با ایران منعقد کرد که براساس آن دولت ایران متعهد شد برای فراهم کردن نیازهای آنها سالیانه ۷۰۰۰ تن گندم و ۱۵۰۰۰ تن جو و ۳۰/۰۰۰ تن برنج به دولت شوروی تحویل دهد. باید توجه داشت که گندم و جو به مقدار زیادی در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی کشت و تولید می‌شد و این استان‌ها در اشغال بیگانگان بودند (مهدی‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۳۵). گزارش‌هایی درباره حمل گندم از نواحی مختلف ایران برای مصرف نیروهای شوروی وجود دارد که در آنها آمده است وزارت خواروبار در آذربایجان ۱۵۰۰ تن گندم و ۴۰۰ تن جو و در خوی ۵۰۰ تن گندم و در تبریز ۱۵۰۰ تن گندم به نمایندگان شوروی داده (آذری، ۱۳۷۱: ۵۰). شوروی علاوه بر دریافت این مقدار، از بازار آزاد هم گندم تهیه می‌کرد که سبب افزایش قیمت گندم می‌شد (ساعد مراغه‌ای، ۱۳۷۳: ۲۲۴-۲۲۶)؛ از این‌رو اشغال متفقین مانع رسیدن و توزیع عادلانه کالاهای

کمیاب به مناطق مختلف ایران می‌شد، چنان‌که اواخر زمستان ۱۳۲۰ش که ایران به اشغال متفقین درآمد، دولت سیستم جیره‌بندی را در تمام کشور به مرحله اجرا درآورد و کوپن نان و قند و شکر و چای و سایر خواربار را در اختیار مردم قرار داد. کمیابی نان آغاز گردید و به تدریج به صورت یک قحطی فراگیر درآمد. در تمام نواحی‌های کشور به هنگام پخت، شلوغی و ازدحام غیرقابل وصفی به چشم می‌خورد (لمبتون، ۱۳۷۵: ۴۶۳).

پخت و توزیع نان سیلو، از یادگارهای مشخصه همین دوران است. دولت برای جلوگیری از ازدحام مردم و رفع کمبود نان، دست به پختن نان ماشینی زد که به نام سیلو معروف شد (همان: ۴۶۴). این نان‌ها اغلب با براده‌های چوب مخلوط شده بود که خود منشاء بیماری بود و گاه به مرگ افراد منجر می‌شد (عتیق‌پور، ۱۳۷۹: ۱۵). میل‌سپو که در سال ۱۳۲۱ به عنوان مستشار آمریکایی به ریاست کل دارایی ایران انتخاب شده بود، تأمین نان کشور را بر عهده داشت به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. هرچند بعید به نظر می‌رسید که بتواند حداقل گندم مورد نیاز تهران را تأمین کند (بارل، ۱۳۹۲: ۱۲/۲۶۴). در واقع قحطی نان معلول عوامل زیادی بود که توسط متفقین به دولت فروغی تحمیل شده بود. او مجبور به دادن امتیازات زیادی به متفقین شد (لمبتون، ۱۳۷۵: ۴۶۴). ترقی نرخ لیره از ۶۷ ریال به ۱۴۰ ریال و لغو انحصار بازرگانی خارجی کشور و آزاد گذاشتن خرید و فروش ارز، از جمله این امتیازات بود. به این ترتیب در زمانی که بیشتر کشورهای سرمایه‌داری جهان برای مقابله با عوارض جنگ سیاست جیره‌بندی و کنترل مصرف

را اعمال می‌کردند، فروغی محدودیت‌های وارداتی و انحصارات دوره رضاشاه را لغو کرد که این عمل دامنه گرانی و قحطی را گسترده‌تر کرد. نرخ‌ها ۱۱۳ درصد ترقی کردند و بیکاری افزایش یافت (همان‌جا). سرمایه‌گذاری دولت به حد ناچیز کاهش یافته بود، سرمایه‌گذاری خصوصی مخاطره-آمیز و نامطمئن بود. فعالیت‌های اقتصادی در شهرها به صورت چشمگیر کاهش یافته بود (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۰۱). اغلب کارخانه‌داران و تجار به دنبال تعدیات متفقین شهر خود را ترک کرده بودند (عظیمی، ۱۳۷۴: ۶۱).

۵. اشغال شهر زنجان

به دنبال تقسیم ایران، زنجان جزء مناطق غربی، به علت دارا بودن موقعیت ژئوپولیتیک از همان ابتدا در اختیار شوروی قرار گرفت. زیرا زنجان شهری بود که همانند تبریز می‌توانست در کمک-رسانی متفقین به شوری مهم باشد. از همان بدو ورود نیروهای شوری به زنجان، فعالیت‌های تعدی‌گرایانه آنها نیز شروع شد و خانه‌ها و اثاثیه منازل غارت و از مردم پول‌هایی به عنوان باج گرفته شد (قطبی، ۱۳۸۱: ۱۰۱-۱۰۲). حتی در مرحله-ای مأمورین گستاخ‌تر شده جواهرات و طلاهای زن را تصاحب می‌کنند ولی شکایت این زن به جایی نمی‌رسد. چرا که حکومت مرکزی رسیدگی به این امر را به عهده فرماندار شهر می‌گذارد تا با مذاکره اموال مسروقه را پس بگیرد! (همان‌جا). جهان‌شاه‌لو می‌گوید:

هنگامی که روس‌ها در شهریور ۱۳۲۰ به زنجان رسیدند، پاره‌ای از مهاجرین به خانه‌های مردم دستبرد زدند و خانه‌ها را غارت کردند و از

بسیاری از مردم پول‌هایی به صورت باج گرفتند» (جهانشاهلو افشار، ۱۳۸۸: ۱۰۳).

علاوه بر اموال شخصی افراد، مغازه‌های بزرگ برخی از تجار نیز توسط نیروهای شوروی غارت شد. برای نمونه منزل اسدالله ایاز، تاجر بزرگ توتون و تنباکو، غارت و تخریب گردید و برادر او زخمی شد (بیات، ۱۳۸۹: ۱۴۸). در چنین اوضاعی که امور شهر کاملاً در دست نیروهای شوروی بود، دیگر مجالی برای خودنمایی مأموران شهربانی باقی نمی‌ماند. چرا که نیروهای شوروی نظم شهربانی را مختل کرده بودند، شماری از مأمورین، محل مأموریت خود را ترک کردند و برخی هم مجبور به پذیرش وضعیت حاضر شدند (بیات، ۱۳۸۹: ۱۴۴). بی‌شک اختلال در امر اداره شهربانی، نتیجه مذاکرات با دولت شوروی بود که در مناطق تحت اشغال شوری باید برای ارسال اسلحه و مهمات از سفارت کبرای شوروی پروانه مخصوص دریافت می‌شد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۳۱۴-۰۰۰-۲۹۰). مأمورین متفقین در زنجان کار را به جایی رسانیده بودند که حتی ادعای مالکیت شنه‌های ایران را داشتند! در سال ۱۳۲۲ش زمانی که یکی از پاسگاه‌های زنجان مقداری شن برای ساخت ورودی پاسگاه به کار می‌برد، مسئولین آن توسط مأمورین انگلیسی سیلی می‌خورند که چرا از شن‌هایی که متعلق به انگلیس است، استفاده نموده‌اند! (قطبی، ۱۳۸۱: ۲۳۷). در چنین اوضاعی توقع ایجاد امنیت امری محال به نظر رسیده؛ لیکن مردم از پای ننشسته و برخی اعیان شهر تصمیم می‌گیرند عده‌ای را استخدام و با پرداخت حقوق، امنیت را در داخل شهر ایجاد نمایند. اما دولت شوروی مانع این اقدام شده و حتی بیمارستان زنجان را اشغال

می‌کنند که با سماجت وزیر بهداشتی وقت، پس گرفته می‌شود (بیات، ۱۳۸۹: ۱۴۵). بررسی اسناد این دوره گویای تجاوزات متفقین به روستاییان زنجان نیز هست، چنان‌که اموال و دام‌های اهالی روستا توسط نیروهای شوروی غارت (قطبی، ۱۳۸۱: ۳۶۹-۳۷۰) و شکایات مکرر ایشان به حکومت مرکزی که خود در پریشانی به سر می‌برد به جایی نمی‌رسد (همان‌جا).

۵-۱. وضعیت کشت غلات در زنجان

اندکی پس از شروع جنگ جهانی دوم با وجود اینکه زنجان خود از مراکز تولید غلات بود، در زمینه تهیه نان و غلات در مضیقه قرار گرفت. با بررسی به عمل آمده چنین به نظر می‌رسد که در آغاز سال ۱۳۲۰ شهر زنجان به اندازه کافی گندم داشته است. مثلاً درخواست ارسال غله از زنجان به سوی تهران و عدم اجازه نیروهای شوروی از خروج غلات، خود نشان از وفور غلات در شهر است (تبرائیان، ۱۳۷۱: ۲۷۹). مطالعه برخی از گزارش‌های ارسالی از زنجان به مرکز نشان می‌دهد وضعیت کشت در زنجان نسبت به شهرهای مثل کرمان و بم، نرم‌اشی که دچار خشکسالی چندساله بودند (اطلاعات، ۱۳۲۰/۲۰/۱۶)؛ در این سال‌ها، مانند قبل و حتی در وضعیت بهتری بوده است. در روزنامه اطلاعات چنین می‌خوانیم: «تدابیری اندیشیده شد تا از شاهرود و زنجان غلات اضافی به تهران صادر و در سیلوها ذخیره شود» (اطلاعات، ۱۳۲۰/۱۲/۲۶). به نظر می‌رسد آرد به اندازه کافی در تهران موجود بوده است که برخی از نانوای‌هایی تهران دست به احتکار آرد می‌زنند و نان پخت نمی‌کنند و مأمورین خواربار این آردها را کشف و خبازها تنبه می‌شوند (اطلاعات، ۱۳۲۰/۴۸۵۲/۱۶).

همچنین در گزارش «رئیس اداره خواربار زنجان»^۱ امان‌پور به شریدان^۲ می‌توان به وضوح اهمیت شهر زنجان در زمینه تولید گندم و غلات را دریافت: زنجان شهر مهمی است، به طوری که می‌توان ۲۰۰ تن از بهترین غلات را برای سال آینده جمع‌آوری کرد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۷-۳۲۱-۲۶۰).

در ادامه سند، امان‌پور پیشنهاد می‌دهد کمیته‌ای از تهران برای تکمیل و تصمیم‌نهایی در خصوص جمع‌آوری غلات در زنجان تشکیل، و تا قبل از پایان سال ۱۳۲۰ اش اتخاذ تصمیم نموده و توجهی خاص به کشت سال بعد داشته باشند (همان‌جا). از این گزارش چند خطی می‌توان چنین نتیجه گرفت که غلات و کشت آن به اندازه‌ای بوده است که تخمین زده می‌شده بیش از ۲۰۰ تن غلات برای سال آینده گردآوری شود. بنابراین همان‌گونه که آبادیان نیز بدان معتقد است مسئله کمبود غلات در آغاز سال ۱۳۲۰ در کشور [و از جمله در زنجان] صحت نداشته و دلایل قحطی و کمبود غلات در سال‌های بعد را باید در عوامل دیگر جستجو کرد (آبادیان، ۱۳۹۰: ۲).

بعد از تغییر سیاست روس‌ها در زمینه انتقال گندم به پایتخت از نواحی شمالی و آذربایجان، کاردار روسیه موافقت می‌کند دوهزار تن غلات از

زنجان به تهران انتقال یابد (بارل، ۱۳۹۲: ۱۲/۳۹۹). در گزارشی دیگر آمده است که در سال ۱۳۲۱ در منطقه قره‌بلاغ (از روستای نزدیک زنجان) ۶۷ تن گندم جمع‌آوری شده و برای تحویل به راه‌آهن زنجان فرستاده شده است (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱-۳۲۱-۲۶۰). باید یادآوری کرد که در این سند برای جمع‌آوری این مقدار به ازای هر تن، ۳/۳ ریال به‌عنوان پاداش می‌دادند که در خصوص آن توضیحی داده نشده اما به نظر می‌رسد یک نوع تشویق برای جمع‌آوری گندم بوده تا از آن طریق مانع احتکار گندم شوند. وزیر دارایی در مجلس شورای ملی نیز به این جایزه اشاره می‌کند که نشان می‌دهد، امان‌پور سر خود و برطبق مقتضیات محلی دست به چنین اقدامی زده است:

گندم امسال در کشور کم بوده و باعث تنگی در یک قسمت کشور شده از طرفی هم دولت آنچه ممکن و مقدور بوده برای اینکه به نقاطی که واقعاً در مضیقه بوده‌اند گندم برساند چه از خارج خریدیم و چه در داخل خریدیم چه به قیمت گزاف و بوسیله اشخاص متفرق بمردم جایزه دادیم همین‌طور مشغول هستیم (مشروح صورت مذاکرات مجلس ملی، دوره ۱۳، ۱۶ فروردین ۱۳۲۱: ص ۴۰).

بنابراین بر طبق مستندات چه در سال‌های قبل از ۱۳۲۲ و چه در سال ۱۳۲۲ در زنجان گندم به اندازه کافی موجود بوده است که مازاد آن طبق برنامه جمع‌آوری گندم از شهرستان‌ها به تهران در مجلس مورد بحث قرار می‌گیرد و پیش‌بینی می‌شود که از زنجان به مانند سایر شهرستان حدود ۲۰۰۰ تن به سیلوهای تهران منتقل شود (مشروح صورت مذاکرات مجلس ملی، دوره ۱۳، ۸ آبان ماه، ۱۳۲۲:

۱. وظایف وزارت خواروبار شامل جمع‌آوری منظم خواروبار، از جمله نان و غله و توزیع صحیح آن در بین مردم بود مدتی بعد میلسپو به دلیل نتیجه بخش نبودن اقدامات آن منحل کرد. پس از آن اداره "نان و غله" تاسیس شد که زیر نظر مستقیم میلسپو بود (اسکراین، ۱۳۶۳: ۲۹۴).

۲. sheridan. مستشار غذایی ایران از اعضای هیئت مستشاری آمریکایی به سرپرستی آرتور میلسپو بود.

ص ۲۱۱).

منظور می‌توانم این کالاها را با نرخ ارزان خریداری کنم و مازاد آن را به تهران بفرستم اما متأسفانه همه برنامه‌ها و طرح‌های من خراب می‌شوند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ۱-۳۲۱-۲۶۰).

گویا این احتکار فقط مختص گندم و غلات نبوده است و در سایر اقلام ضروری مردم نیز چنین امری معمول گشته بوده که یکی از نمایندگان مجلس اظهار می‌کند:

همین‌طور اطلاع دارم که در زنجان دوهزار کیسه پنجاه کیلویی قند در انبارها موجود است که نه به مصرف زنجان می‌رسد نه به سایر نقاط ایران حمل می‌شود (مشروح صورت مذاکرات مجلس ملی، دوره ۱۳، ۱۶ آذرماه ۱۳۲۲: ص ۸).

به دنبال این امر به راه‌آهن زنجان سفارش می‌شود:

که هیچ محصول و کالایی را بدون مجوز نفرست هر کالای خریداری شده بدون مرجع قبلی باید پیگرد قانونی داشته باشد. در چنین مرحله‌ای همه تجهیزات غذایی از زنجان دست به دست می‌چرخد و نهایتاً ذخیره می‌شود. نرخ کالاها به طور صعودی بالا رفته است (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره ۱-۳۲۱-۲۶۰).

توضیحی که در اینجا لازم است داده شود در ارتباط با واگن‌هایی هست که گویا در مناطق تحت اشغال روس‌ها این واگن‌ها به بازرگانان و دلالتان کرایه داده می‌شد. در زنجان کرایه این واگن‌ها صرف مخارج اتحادیه کارگران زنجان زیر نظر حزب توده می‌شد (جهانشاهلو افشار، ۱۳۸۸: ۱۰۴). بنابراین سرو سامان دادن به راه آهن و کالاهای حمل شده از این واگن‌ها جزء برنامه‌های اداره خواربار بوده است که هم جلوی قاچاق کالا گرفته

۲-۵. علل کمبود نان در زنجان

براساس شواهد موجود علل کمبود نان و غلات در زنجان را می‌توان به دو عامل داخلی و خارجی تقسیم بندی کرد البته به نظر می‌رسد عوامل داخلی توسط عوامل خارجی دامن زده می‌شد. عوامل داخلی: ۱- احتکار و دلالتی: احتکار توسط اشخاص سودجو در شهر که اقلام مورد نیاز مردم را انبار می‌کردند. با وجود اینکه در ۲۱ خرداد ۱۳۲۱ ماده واحده‌ای به تصویب کمیسیون‌های دارایی و بازرگانی و پیشه و هنر مجلس رسیده بود که طبق آن «مجلس شورای ملی» برای جمع‌آوری غله و سایر مواد خواربار و تأمین وسایل نقلیه به منظور تهیه ارزاق عمومی از تاریخ تصویب این قانون تا آخر خرداد ۱۳۲۲ به دولت اجازه می‌داد هرگونه اقدامی را که لازم است و در قانون احتکار و آئین نامه آن پیش‌بینی نشده به عمل آورده و کیفرهای ضروری نیز در این باب (درحدود کیفرهای مقرر در قانون احتکار) تعیین و اعلام و اجرا بنماید (اطلاعات، ۱۳۲۱/۳/۲۱). اما گویا در زنجان همچنان اقدامات محتکرانه ادامه داشته است. در سندی که گزارش تلگرافی از زنجان به مرکز است امان‌پور درباره محتکران قزوینی و زنجانی توضیحاتی را ارائه می‌کند:

این روزها برخی از بازرگانان از قزوین و نمایندگانی از دپارتمان صنعت، جاده، نظامیان به زنجان آمده‌اند و خرید و فروش از طریق کانال‌های مختلف صورت می‌گیرد. آنان موجب ناپایداری بازار شده‌اند.

و در ادامه گزارش می‌دهد:

با دردهای زیاد بازار را برقرار کردم، به همین

شود و هم دست دلالات در خارج کردن کالاهای اساسی مردم کوتاه شود.

از سوی دیگر به علت نامتعادل بودن نرخ‌ها مالکان زمین از فروختن گندم خودداری می‌کردند و منتظر نرخ جدید و به دنبال آن سود بیشتر بودند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱-۳۲۱-۲۶۰). همین امر خود یکی از دغدغه‌های مهم برخی از نمایندگان مجلس بوده است که جلسه‌ای را به عدم تعیین مبلغ عاقلانه از سوی دولت برای خرید گندم و غلات اختصاص می‌دهند:

... وضعیت ما عادی نیست، زمینه خواربار مخصوصاً گندم در نظر گرفته متناسب با باقی اجناس مورد احتیاج زندگی نیست و برای رعیت ضرر کلی است که به این نرخ بیاید جنس خود را تحویل دولت بدهد و یک رعیتی که تمام هستی و عایدات او در سال چهار خروار گندم است که باید دو خروار دیگر را بفروشد و به مصرف سایر احتیاجاتش برساند با این نرخ که شما تعیین می‌کنید نمی‌تواند زندگی خود را ادامه دهد... باید نرخ برای گندم گذاشته می‌شد که برای ملت صرف نکند که گندم خودش را به غیر دولت بفروشد و قاچاقچیان نتوانند گندم او را از دست او بگیرند و خارج کنند... فرض کنید در زنجان و قزوین و کاشان و یزد و اصفهان البته تصمیمات دولت انجام می‌شود و اگر می‌گفتند قیمت هر خروار گندم پنج تومان باشد به عقیده بنده همان پنج تومان نرخ می‌شد؛ در صورتی که می‌توانست جلوگیری کنند که جنس از آن نقاط خارج نشود حتماً صاحبان جنس مجبور می‌شدند جنس خودشان را به دولت بدهند (مشروح صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۳، ۲۵ مهرماه، ۱۳۲۲: ص ۹۸).

علاوه بر محتکران بازاری و غیربازاری، پای دلالات بازار نیز به عرصه اقتصادی باز می‌شود. نتیجه این عمل افزایش گرانی و نایاب شدن مواد غذایی می‌شود. گویا این امر فقط در شهر زنجان نبوده و سایر شهرهای دیگر نیز از چنین معضلی رنج می‌بردند که جان فوران طی اشاره به امر دلالتی و سفته‌بازی آن را تنها فعالیت شهری در طول اشغال ایران می‌داند (فوران، ۱۳۸۵: ۳۹۶).

۲. مناسب نبودن راه‌های تجاری: اغلب راه‌های شهری مال رو بودند و حمل و نقل هر نوع از کالاها از قبیل لبنیات و فرش توسط چهارپایان صورت می‌گرفت. با ورود متفقین حیوانات بارکش در اختیار نیروهای بیگانه قرار می‌گیرند تا آنان کالاهای مورد نیاز خود را از روستاها به مکان‌های مورد نظر خود بفرستند. با دست‌اندازی نیروهای متفقین راه‌ها ناامن شده و وضعیت حمل و نقل در آذربایجان بسیار نامناسب می‌شود (بارل، ۱۳۹۲: ۱۲/۴۴). بنابراین تلاش‌های اداره خواربار زنجان در جهت سروسامان دادن به مسئله انبار غلات، جهت استفاده اهالی خود شهر با اقدامات نیروهای شوروی ناتمام می‌ماند و حتی تلاش برای فراهم کردن شتر و دیگر وسایل حمل و نقل امکان‌پذیر نمی‌شود.

تصمیم داریم در گام بعدی تعدادی شتر و دیگر وسایل انتقال را فراهم کنیم که نتایج آن را بعداً به اطلاع خواهیم رساند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱-۳۲۱-۲۶۰).

جاده‌هایی که باید به حمل کالا و مواد ضروری اختصاص می‌یافت، محل تردد قشون بود. راه‌های تجاری شهر زنجان با شهرهای دیگر چون بیجار و کردستان مختل می‌شود. از سوی دیگر کامیون‌هایی

که در اختیار کامیون‌داران ایرانی باقی مانده بود به علت ممنوعیت ورود قطعات یدکی به دست متفقین عملاً از گردونه حمل و نقل خارج شده‌اند (اطلاعات، ۱۳۲۰/۱۲/۹). نتیجه چنین امری این بود که حتی کالاهای وارداتی به ایران به دلیل کمبود وسایل نقلیه در گمرکات راکد باقی می‌ماند؛ نمایندگان مجلس به این امر اعتراض کرده و می‌گویند ترن از ما واگن از ما اما گندم‌ها در بندر شاه باقی مانده‌اند و دولت باید وسایل حمل و نقل را به اختیار بگیرد تا این واگن‌ها خالی راهی نشوند (مشروح صورت مذاکرات مجلس ملی، دوره ۱۳، ۲۵ مهرماه، ۱۳۲۲: ص ۹۸).

۳. فروپاشی ارتش: که بلافاصله با برکناری رضاشاه صورت گرفت (فوران، ۱۳۸۵: ۳۹۹) خود عامل مهمی در نبود امنیت راه‌ها به شمار می‌آید. نیروهای ژاندارمری اغلب فرار کرده بودند و دیگر قدرت اداره و انتظام بخشی به راه‌ها را نداشتند. ساکنین شهر اغلب شاهد دستبرد راهزنانی بودند که در طول مسیرها دارایی مردم را غارت می‌کردند (فوران، ۱۳۸۵: ۳۹۹؛ بولارد/اسکرین، ۱۳۷۸: ۲۰۱).

عامل خارجی: نیروهای ارتش سرخ در تمام مناطق تحت اشغال خود شروع به جمع‌آوری غلات و گندم کرده و لذا بحران از زمانی آغاز شد که ۷۵ هزار نیروی نظامی متفقین برای تأمین مواد غذایی خویش چشم طمع بر انبارهای غلات ایران دوختند و منبع عمده تأمین غلات تهران یعنی آذربایجان، را تحت کنترل خود درآوردند. این غلات را یا از مرزهای ایران خارج و یا بعضاً در مناطق دور نگهداری می‌کردند (آبادیان، ۱۳۹۰: ۹). نمایندگان شوروی و دلالت آنها مواد آذوقه، گندم و جو را در حد کلان خریداری و با

کامیون‌ها و قطار از زنجان به انبارهای مخفی خود حمل می‌کردند و تنها به برخی از کالاهای اجازه خروج از شهر می‌دادند و یا مانع می‌شدند. برخی از بازرگانان شهری تلگرافی در اسفند ۱۳۲۰ به وزارت دارایی کل مبنی بر عدم صدور پروانه حمل کالا از طرف اداره دارایی محلی به داخل ایران مخابره می‌کنند و تقاضای رسیدگی می‌کنند.

... شغل مهم اهالی زنجان و حوزه آن زراعت و فلاحت، خواربار و تأمین معاش خود را از این می‌نمایم بعضی ارقام {اقلام} اضافه از مصرف محلی همه ساله به داخله ایران حمل و نقل و سایر احتیاجات خود را از شهرستان‌های داخله آورده تأمین معاش می‌کنم. متأسفانه چندی است اداره دارایی از صدور پروانه حمل داخلی خودداری و باعث تنگدستی و گسیختگی رشته تأمین معاش زارعین و فلاحین فراهم می‌شود» (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ۳۱۴-۲۹۰-۰۰۰).

همچنین مأموران دولت شوروی اجازه خروج گندم و جو مورد نیاز تهران از زنجان را نمی‌دادند که در نهایت تصمیم می‌گیرند برای رفع مشکل نان و غلات تهران، با سفارت کبرای شوروی مذاکره کنند تا اجازه صدور این اقلام را دریافت کنند:

... مقامات شوروی وعده دادند که اشکالی در حمل جو و سایر خواروبار از زنجان و نقاط دیگر شمال نخواهد بود و فقط تقاضا داشتند به موجب پروانه رسمی مشخصی باشد اجناس حمل می‌شود. ولی به طوری که در تلگراف دارایی زنجان که رونوشت به ضمیمه ارسال می‌شود ملاحظه می‌فرمایید مأمورین شوروی باز از حمل جو جلوگیری می‌نمایند. با آقای وزیر سفیر کبیر شوروی ترتیبی بدهند که دیگر نظیر این پیش‌آمدها که قطعاً باعث تأخیر حمل و ایجاد

اشکال خواهد گردید جلوگیری شود (سازمان اسناد ملی، شماره ۹۳۰-۰۱۰-۲۴۰).

عدم اجازه صدور جواز حمل و نقل نتیجه‌ای دیگر را نیز به دنبال داشت و آن افزایش قاچاق گندم و آرد و احتکار بیشتر بود. اداره خوار و بار زنجان تلگرافی به رئیس کل اداره نان و غله و خود میلسپو در ارتباط با صدور جو و تمهیدات لازم برای ورود و خروج گندم ارسال می‌کند تا از اتفاقات احتمالی و مشکلات شهری، مرکز را باخبر کند. در ادامه تلگراف علاوه بر قاچاق آرد و افزایش قیمت آرد به رشوه مأموران اداره خواروبار و افزایش سه برابری قیمت کرایه شتر و الاغ و سایر وسایل نقلیه نیز اشاره می‌کند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ۷۶۶-۰۱۱-۲۴۰) همین مشکلات احتمالی پیش‌بینی شده چندی بعد خود را در اعتراضات مردمی به گرانی نان نشان داد. مشکل دیگر بازرگانان شهری فاسد شدن و خرابی برخی از اقلام مثل تخم مرغ در پی عدم پروانه صدور بود؛ در حال بود که بر طبق حکم وزرات دارایی این کالاها نیاز به پروانه صدور کالا نداشتند با این وجود مقامات شوروی ساکن در شهر زنجان مانع امر صادرات می‌شدند.

... سابقا به منظور جلوگیری از پیش آمدهای غیر مترقبه دستور داده شده از حوزه زنجان و تبریز برای خواربارهاییکه مورد احتیاج محل است پروانه خروج صادر نمایند و بعدا توضیح داده شد خواربارهایی که نگاهداری آنها اسباب فساد دائما است یا برای روغن علاوه بر مصرف محل است پروانه صادر نمایند ولی به طوری که اداره دارایی زنجان اخیرا اطلاع داده مقامات شوروی به طور کلی از صدور هرگونه خواربار از آن

حوزه جلوگیری نموده‌اند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ۹۲۶-۰۱۰-۲۴۰).

برخلاف جنگ جهانی اول که در اغلب شهرهای ایران مردم علف، سگ و مردار حیوانات و حتی انسان را می‌خوردند (مجد، ۱۳۸۷: ۴۸)، در جنگ جهانی دوم در زنجان کسی از گرسنگی یا وبا و طاعون کشته نشد. شیوع نیافتن این فاجعه را باید در اقدامات اساسی بزرگان و فرماندار شهر دانست که به هر وسیله که می‌توانستند نان روزانه مردم شهر را تأمین می‌کردند. ارسال گندم از زنجان به تهران در جریان کوپنی کردن نان در تهران، خود دلیلی بر وجود غله کافی در زنجان بوده است (آبادیان، ۱۳۹۰: ۱۶).

از سوی دیگر نیروهای شوروی نیز با مستشاران مالی آمریکایی در جمع‌آوری گندم همکاری نمی‌کردند و حتی در کارهای آنها دخالت می‌کردند (بارل، ۱۳۹۲: ۱۰۷/۱۲). میلسپو در ۶ فروردین ۱۳۲۳/ ۲۶ مارس ۱۹۴۴، آئین‌نامه دریافت مازاد از کشاورزان را صادر و در آن تأکید کرد، به منظور جمع‌آوری صحیح و مطلوب محصول غله سال ۱۳۲۳ و برای تأمین نان و توزیع عادلانه آن بین مردم، باید گندم و جو و آرد این دو، در کلیه نقاط کشور به انحصار دولت درآید و خرید و فروش اجناس مزبور ممنوع و مسئولیت آن به قسمت غله و نان محدود شود (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۲). به نظر می‌رسد امان‌پور پیرو آئین‌نامه میلسپو چندین مورد از نقطه نظرات خود در زمینه بهبود تولید، جمع‌آوری گندم در زنجان را به شریدان مخابره می‌کند که شامل ۱۶ بند است: (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۳۲۱-۵-۲۶۰؛ ۶-۳۲۱-۲۶۰).

«جناب...»

در ذیل نقطه‌نظرات بنده در زمینه جمع‌آوری گندم آمده است.

۱. آماده سازی آمار منطقه، چهار ماه قبل از برداشت، مانند پیوستی که در ادامه آمده است.

۲. فراهم نمودن یک سازماندهی خوب محلی که با تعداد بخش‌ها مطابق باشند (در زنجان ۱۱۰۰ محله است که به ۱۵ بخش تقسیم می‌شود) و مراقبت از همه محصولات و شناختن کامل مکان‌های مناسب کاشت گندم [انبار].

۳. جدا نمودن بخش اضافی گندم [برای] مالک و تعلیم دادن او یک ماه قبل از برداشت محصول.

۴. تعیین یک قیمت مناسب خرید (ماکسیموم) در مدت زمان دو ماهه که به واسطه شور برداشت محدود شده است، از ماه سوم نصف کردن قیمت‌ها، سپس در ماه پنجم اعلام ماده تولید شده.

۵. قیمت‌های مناطق تولید کننده باید بیشتر از مصرف کننده باشند.

۶. اقدام برای خرید گندم روستاییان به واسطه خود مالک، بدین ترتیب: برای هرجفت گاو نر روستایی، مالک متعهد است که ۱۲۰ گندم پرداخت کند (در زنجان ۳۰۰۰۰ گاو نر $\times$ ۱۲۰ کیلو = ۳۶۰۰ تن که برای تغذیه شهر، و همچنین قسمت‌های غیر قابل توجه کافی می‌باشد). برای سایر روستاییان باید شرایط بهتری برای جذب آنها ایجاد کرد که خودشان محصولشان را بفروشند. مثل: دو برابر کردن قیمت یا تأییدیه ماده حق انحصار. بنده این دلیل را بسیار مهم می‌دانم چرا که قسمت بندی ۱ به ۵ است و هر جفت گاو نر ۶۰۰۰-۴۵۰۰ کیلو محصول تولید می‌کند، ولی ۴ قسمت منطقه روستایی قبلاً به طور غیرمستقیم محصولشان را به مالک یا فرشنده

انتقال دادند.

۷. آگاه کردن فوری مردم از تصمیم فروش همه محصولات گندم.

۸. تنظیم خدمات ابلاغ مناسب در هر منطقه {،} پیوند دادن مرکز با فرمانداری برای هدایت بازرسی خوب ضروریست.

۹. انتخاب سرگروه‌های محلی بعد از اعتماد کامل و سپس دادن اختیار آزاد و قدرت کامل برای جلوگیری از اتلاف وقت (خرید گندم یک عملکرد تجاری است که ملزم به اختیار تام برخلاف بوروکراسی کنونی است).

۱۰. جمع‌آوری همه نوع خرید گندم در یک مسیر مدیریتی و در نتیجه دفاع صرف از دادن حق فروش، به غیر از یک سرگروه.

۱۱. پرداخت و تصمیم‌گیری برای مسئله انتقال، از دیدگاه تعرفه، در یک هیئت کمیسیون محلی.

۱۲. راه انتقال گندم تحت نظارت بازرسی محلی است.

۱۳. تنظیم یک افت ۵ درصدی با پرداخت صرف اختلاف قیمت‌ها.

۱۴. باز نمودن یک اعتبار محدود نزد کارفرما (ارباب) محلی برای اقتصادی کردن مخارن.

۱۵. درنظر گرفتن درآمد مناسب برای کارکنان، بیمه کردن زندگی آنها، و پیش بینی کمک هزینه ویژه که بعداً با اجازه ارباب تحویلشان می‌گردد.

۱۶. در نهایت پرداخت کردن پورسانت (حق الزحمه) برای برداشت پیشین و کنونی برای کارکنان، شرایط فصول واقعاً رضایت بخش هست و باید نهایت بهره را از آن برد. بنده مطمئن هستم که با راهنمایی‌هایی که به آنها اشاره شد، ما موفق به برآورده نمودن همه نیازهای کشور با تولیدات خودش خواهیم شد.

این نقطه نظرات فقط از نظر محلی به مسئله نگاه می‌کنند. موقعیت، قیمت رسمی را که شاید کاملاً کمتر از قیمت آزاد (مثل اکنون) باشد، می‌دهد.
دکترامان‌پور.

برخی از بندهای پیشنهادی امان‌پور به احتمال زیاد از خلل مباحثی بوده است که در مجلس در ارتباط با چگونگی جمع‌آوری گندم بوده است که نه وحشت قحطی را در بین مردم و کشاورزان القا کند و نه سبب شود که مأموران دولتی به بهانه جمع‌آوری دست به تعدی‌گری بزنند. مثلاً بند دوم و سوم و هفتم این تلگراف در زمینه شناخت انبارها و جمع‌آوری گندم جزء مباحثی بوده است که به طور مفصل در مجلس مورد بررسی قرار گرفته است.

جاهایی که دولت مطلع شود که آنجا یک انباری هست آن انبار را پس از گزارش تحت نظر بگیرند و ضبط کنند و پولش را بدهند. اصل کلی عدم بازرسی در دهات باشد که وسیله نشود به دست مأمورین و توی دهات و بلوکات بیفتند و اسباب زحمت مردم بشوند زیرا اولاً به قدر کافی دولت مأمور ندارد ثانیاً ممکن است مأمورین هم یک قدری بالاخره رفتارشان به حکم گذشته خوب نباشد دلیلی هم ندارد بدون جهت رعیت و خرده مالک و زارع را نگران کرده باشیم (مشروح صورت مذاکرات مجلس ملی، دوره ۱۳، ۳ اسفندماه، ۱۳۲۲: ص ۲۸).

به نظر می‌رسد بهترین راهکار جمع‌آوری گندم، سپردن این امور به دست روسای خواربار منطقه‌ای بود که هم شناخت کامل به مناطق غله‌خیز و انبارهای منطقه‌ای داشتند و هم می‌توانستند مانع احتکار اقلام مورد نیاز مردم باشند.

امان‌پور نامه‌ای دیگر به شریدان مخابره می‌کند؛ به امید آنکه جلوی احتکار گرفته شود و با در نظر گرفتن تشویق‌های ذکر شده مالکین درصدد فروش محصولات خود در بازار آزاد نباشند. به این منظور برگه‌های اجاره‌نامه تهیه می‌شود که دهبان هر منطقه باید اطلاعاتی مانند اسم مالک، اسم اجاره کننده، تعداد جفت اربابی، فاصله ده تا ایستگاه راه آهن و... (برای اطلاع از بندهای کامل به سند مزبور در ص ۳۴ همین مقاله مراجع فرمایید) وارد و تعهد می‌کرد در صورت کشف خلاف واقع، مجازات شود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۸-۳۲۱-۲۶۰). خود امان‌پور در چند تلگراف دستمزد و یا به اصطلاح حقوق خود را بارها از مرکز طلب می‌کند. گویا خود وی نیز در قبال کارهای انجام داده چیزی دریافت نمی‌کرده است و یا به علت تورم موجود دریافت حقوق خود را حتی به عنوان کادوی عید نوروز از مرکز مطالبه می‌کند! (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ۹-۳۲۱-۲۶۰).

با این اوصاف فشار بر مردم زیاد شد و آنان نیز به مانند مردم تبریز که یکسال پیش (۲۴ اسفند ۱۳۲۱) (اتابکی، ۱۳۷۱: ۹۷) به کمبود نان اعتراض داشتند، شروع به تظاهرات در خیابان می‌کنند و دو سه بار بازار زنجان تعطیل می‌شود. طبق گزارش تلگرافی رمز شماره ۱۴۵۰-۲۲/۶/۱ شهربانی زنجان معروض می‌گردد:

در این تظاهرات زن و مرد حضور داشتند. مردم به کاروانسرای شهر که مخزن نگهداری غلات و آذوقه بود هجوم برده، به دنبال کمی نان در تاریخ یک شهریور ۱۳۲۲ ش ساعت ۸، عده ای از اهالی به بازار ریخته دکانین بکلی تعطیل و احتمال بلوا و شورش می‌رود، اداره ژاندارمری هم نیروی

کافی برای کمک به مأمورین نداشته؛ شهربانی زنجان تقاضا نموده قوای ژاندارمری آنجا تقویت شود مستدعی است اقدام لازم فرموده و نتیجه را اعلام دارند» (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۳۵-۳۸-۲۹۳).

اعتراض مردم زنجان به بهای نان اعلام شده سبب می‌شود رئیس خواربار زنجان قیت نان را به بهای قبلی بازگرداند (آذیر، ۱۳۲۲/۱۴/۱۶). این حرکت اعتراضی در شهرهای همجوار زنجان مانند اردبیل هم رخ می‌دهد و مردم به نانوانها حمله می‌کنند و خبازها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند و سبب تعطیلی بازارها و دکان‌ها تا پایان روز می‌شوند (همان).

اما ریش سفیدان زنجان دست به کار می‌شوند و مردم را دعوت به آرامش می‌کنند. اعیان شهری از جمله خانواده ذوالفقاری به مانند معتمدین شهر همدان که نظارت بر توزیع نان در شهر داشتند (آبادیان، ۱۳۹۰: ۹) قول دادند که از روستاهای خود به اندازه کافی طبق دستور مالکان آرد و گندم به شهر بیاورند (به قول خود نیز عمل کردند). این اقدام سبب تسکین خاطر مردم شهر شد و از تظاهرات دست کشیدند (مصاحبه با ذبیح‌الله شاه محمدی، ۱۳۹۱).^۱ «در سبزه میدان کنونی زنجان در جوار خانه ذوالفقاری‌ها^۲ حیاطی را اختصاص به پخت نان

و نانواپی کرده بودند که به اسم اداره سیلو معروف بود. ذوالفقاری‌ها شبانه آرد و گندم را از اطراف زنجان که متعلق روستاهای خود آنها بود وارد شهر می‌کردند. در همان شب پخت نموده و صبح در گاری جمع نمود و به محلات مختلف شهر می‌فرستادند. در هر محله چند ریش سفید به توزیع نان می‌پرداخت (مصاحبه با ذبیح . . . شاه محمدی، ۱۳۹۱). هرچند این نان‌ها مرغوبیت کافی را نداشتند، خاک و علف هرز و کاه در آن دیده می‌شد. آلودگی نان به سموم و مواد غیرقابل خوردن سبب ایجاد سرگیجه و حالت تهوع می‌شد (آذری، ۱۳۷۱: ۸). اما برای همین نان نامرغوب نیز مردم به دنبال گاری می‌دویدند تا شاید چند عددی بیشتر گیرشان بیاید. « (مصاحبه با ذبیح الله. شاه محمدی، ۱۳۹۱) (آقای شاه محمدی خود شاهد دویدن مردم به دنبال گاری بودند: درحین دویدن عده‌ای به زمین می‌خوردند و دوباره بلند شده و می‌دویدند).

۶. نتیجه

از بررسی اسناد و مدارک موجود می‌توان فهمید که موقعیت استراتژیک شهر زنجان در کنار وجود مخازن گندم که ناشی از برداشت خوب محصول در سال‌های مذکور بود موجبات توجه

سیاسی و فرهنگی مشارکت‌های مهمی داشتند. از آنجایی که این خاندان از نفوذ زیادی در زنجان برخوردار بودند، در اغلب تحولات تاریخی زنجان سهم عمده‌ای داشتند. در طول جنگ جهانی اول نیز از روستاهایی که در اختیار داشتند گندم وارد شهر می‌کردند و از اربابان دیگر می‌خواستند که در رفع قحطی همکاری کنند. اوج حضور سیاسی این خاندان در سال ۱۳۲۴ش در جریان شکست دموکرات‌های آذربایجان بود (ذهتاب فرد، ۱۳۷۳: ۲۹۳).

۱. ایشان متولد سال ۱۳۱۲ش هستند. در حال حاضر عضو کانون بازنشستگان آموزش و پرورش زنجان هستند. در زمینه تاریخ زنجان بالاخص تاریخ فرهنگی زنجان در مجله‌ای که از سوی اداره ارشاد اسلامی زنجان منتشر می‌شود چندین مقاله نوشتند.

۲. خاندان ذوالفقاری از خانواده‌های قدیمی زنجان می‌باشند. منابع مکتوب دوره زندیه اولین حضور این خاندان در تاریخ را ثبت کرده‌اند. گویا ذوالفقارخان (جد ذوالفقاری‌های کنونی) از سرداران بزرگ زندیه بوده است. از آن دوره تا انقلاب ۵۷ در عرصه

نیروهای شوروی به این شهر را فراهم کرد که این مسئله علاوه بر دست‌اندازی‌های سیاسی بر اوضاع اقتصادی شهر نیز تأثیر سوء گذاشت. قحطی و کمبود نان طی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۲ ارتباط کاملاً مستقیمی با حضور نیروهای متخاصم شوروی در شهر داشت. نیروهای شوروی برای تأمین نیازهای سربازان خود دست به غارت و دزدی زده؛ از تاراج مغازه‌های تجاری شهر تا قاپیدن نان از دست مردم گرسنه دست می‌یازیدند. از سوی دیگر مجوز حمل و نقل کالا بین زنجان و سایر نقاط را نمی‌دادند و یا در این زمینه اشکال تراشی می‌کردند که این امر سبب فاسد شدن برخی از کالاها و یا کمبود و گرانی اقلامی مثل آرد و گندم شد. از سوی دیگر خرید گندم در بازار آزاد علاوه بر گران شدن قیمت نان، دست دلالت را نیز بازتر می‌کرد. بر اساس اسناد و منابع موجود این امر آشکار شد که زنجان در سال‌های قبل از شروع جنگ جهانی دوم از نظر تولید گندم و غلات از وضعیت خوبی برخوردار بوده است. مهم‌ترین استدلال برای وجود غلات کافی در زنجان، درخواست‌های مکرر تهران برای ارسال غله است. هم دولت مرکزی و هم نیروهای متفقین تولیدات گندم و سایر غلات را از زنجان خارج می‌کردند و مابقی هم به دست دلالت و محتکران از دسترس مردم شهر خارج می‌شد. از سوی دیگر فروپاشی ارتش رضاشاه به عنوان نیروی ایجاد امنیت در شهرها عملاً امکان ارتباط تجاری زنجان با مراکز تولید غله را از بین برد و دیگر داد و ستد تجاری بین زنجان و شهرهای اطراف مختل شد. در این شرایط اغلب وسایل حمل و نقل نیز در اختیار نیروهای نظامی بود. از یک سوی علی‌رغم کارشکنی‌های مأمورین

شوروی، برخی اقدامات مقامات شهری مثل امانپور (رئیس اداره خواروبار زنجان)، در زمینه ارسال کمیته جمع‌آوری گندم از تهران به زنجان و راهکارهای جمع‌آوری غلات و نظارت بر ارسال مرسولات از طریق راه آهن زنجان، مانع دست‌اندازی دلالت شهری و احتکار گندم موجود شد؛ و توانست شورش و اعتراضات خیابانی مردم را که در جهت کمبود نان در شهر بود، کنترل کند و قیمت نان را به بهای قبلی آن بازگرداند و دوباره در شهر آرامش برقرار کرد که به دنبال آن بازار دوباره برقرار شد. از سوی دیگر در این بین وجود خاندان متنفذ محلی چون خاندان ذوالفقاری که نقش به‌سزایی در تأمین، توزیع و پخت نان مورد نیاز مردم شهر داشتند؛ مانع بروز قحطی و مرگ و میر به مانند سال‌های جنگ جهانی اول شد و مشکلات پیش آمده در زمینه کمبود و یا گرانی گندم و نان به طور عمده به دلیل اقدامات مختل کننده نیروهای شوروی بود.

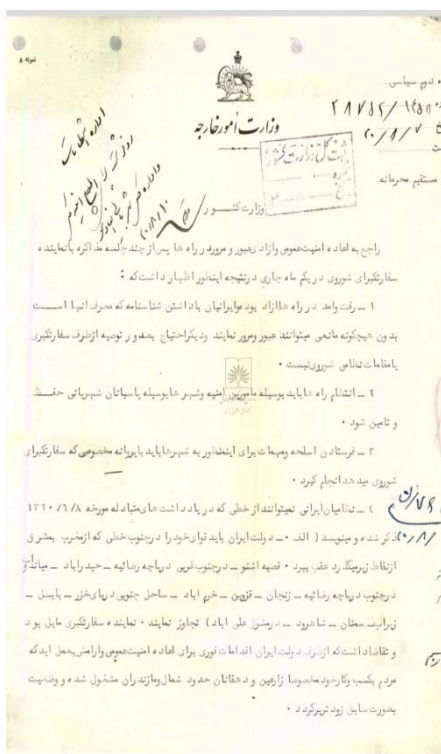
منابع

- آبادیان، حسین (۱۳۹۰). «غلات و زندگی اجتماعی مردم ایران در جنگ دوم جهانی». *مجله تحقیقات تاریخ اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*. سال اول. شماره ۲. ص ۱-۲۰.
- آذری، شهلا (۱۳۷۱). «قحطی و گرانی نان (۱۳۲۰-۱۳۲۴)». *مجله گنجینه اسناد*. سال اول. شماره ۴ و ۵. ص ۴-۱۷.
- روزنامه آذیر (۱۳۲۲/۱۴/۱۶).
- آوری، پیتیر (۱۳۷۶). *تاریخ معاصر ایران*. ترجمه محمد رفیعی. چاپ سوم. تهران: عطایی.
- استوارت، ریچارد (۱۳۷۹). *در آخرین روزهای رضاشاه، تهاجم روس و انگلیس به ایران در*

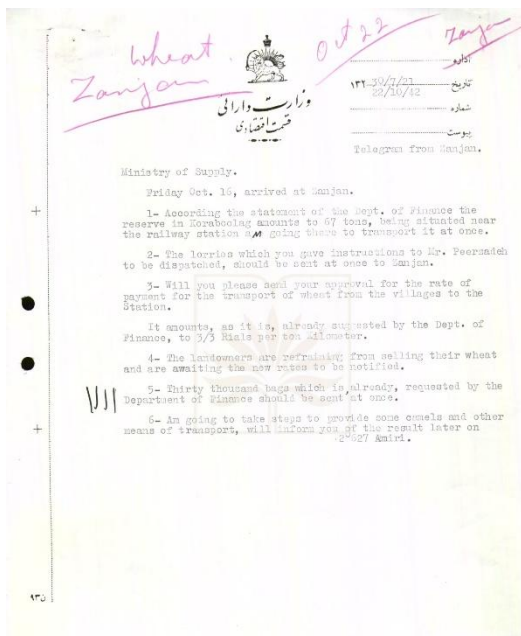
- شهریور ۱۳۲۰. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات. چاپ دوم. تهران: نشر رخ.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۲۰/۱۲/۲۶)؛ (۱۳۲۱/۳/۲۱)؛ (۱۳۲۰/۱۲/۹).
- اسکرین، سر کلارمونت (۱۳۶۳). جنگ جهانی در ایران، ترجمه حسین فراهانی، [بی‌جا]: نوین.
- بارل، آر. ام (۱۳۹۲). یادداشت‌های سیاسی ایران ۱۲۶۰-۱۳۴۴. ترجمه افشار امیری. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز.
- بولارد، سرریدر/سرکلارمونت اسکرین (۱۳۷۸). شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: نشر نو.
- بیات، مسعود (۱۳۸۹). نگاهی به فراز و فرودهای فرقه دموکرات آذربایجان در زنجان. ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- تبرائیان، صفاءالدین (۱۳۷۱). ایران در اشغال متفقین. چاپ دوم. تهران: رسا.
- جلال پور، حسن؛ محمدی، امیر (۱۳۹۱). «پیامدهای اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰». فصلنامه پژوهش در تاریخ. سال سوم. شماره ۹. ص ۱۵۴-۱۷۶.
- جهانشاه‌لو افشار، نصرت‌الله (۱۳۸۸). ما و بیگانگان (خاطرات سیاسی دکتر جهانشاه‌لو افشار). چاپ اول. تهران: سمرقند.
- خان ملک یزدی، محمد (۱۳۶۲). غوغای تخلیه ایران. تهران: شرکت سهامی طبع کتاب.
- ذهتاب فرد، رحیم (۱۳۷۳). خاطرات در خاطرات. تهران: ویستار.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. شماره ۳۱۴-۰۰۰-۲۹۰ (مجوز حمل اسلحه)؛ شماره ۳۱۴-۰۰۰-۲۹۰ (اعتراض بازرگانان به منع خروج کالا توسط نیروهای شوروی)؛ شماره ۹۳۰-۰۱۰-۲۴۰ (منع صدور پروانه خروج برای کالاها)؛ شماره ۷۶۶-۰۱۱-۲۴۰ (افزایش احتکار و قاچاق کالا در شهر زنجان)؛ شماره ۹۲۶-۰۱۰-۲۴۰ (اجازه صدور برای کالاهای فسادپذیر)؛ شماره ۱۷-۳۲۱-۲۶۰
- (توصیف شهر زنجان)؛ شماره ۱-۳۲۱-۲۶۰ (برداشت غلات از روستای قره بلاغ)؛ شماره ۵-۳۲۱-۲۶۰ (وجود محتکران در زنجان)؛ شماره ۶-۳۲۱-۲۶۰. (پیشنهادهای امانپور به شریدان)؛ شماره ۷-۳۲۱-۲۶۰ (پیشنهادهای امانپور به شریدان)؛ شماره ۸-۳۲۱-۲۶۰. (پیشنهادهای امانپور به شریدان)؛ شماره ۹-۳۲۱-۲۶۰ (پاداش درخواستی امانپور)؛ اسناد مجلس شورای اسلامی. شماره ۳۵-۳۸-۲۹۳. (تظاهرات مردم و تعطیلی بازار).
- ساعد مراغه‌ای، محمد (۱۳۷۳). خاطرات سیاسی محمدساعد مراغه‌ای. به کوشش باقرعقلی. تهران: نشر نامک.
- سلیمانی، کریم؛ عزیزخواه، جمیله (۱۳۹۱). «اقدامات میلپو برای حل نان در سال‌های ۱۳۲۱-۱۳۲۳». مطالعات تاریخ فرهنگی. سال سوم. شماره ۱۲. ص ۸۳-۱۰۳.
- سیف‌پور فاطمی، نصرالله (۱۳۷۹). گزند روزگار: خاطراتی از تحولات فارس در آستانه جنگ جهانی دوم مجلس چهاردهم و بحران آذربایجان ۱۳۲۰. تهران: شیرازه.
- مشروح صورت مذاکرات مجلس ملی. دوره ۱۶. ۱۳ فروردین ۱۳۲۱؛ ص ۲۱۱؛ دوره ۸. ۱۳ آبان ۱۳۲۲؛ ص ۲۱۱؛ دوره ۱۳، ۱۶ آذرماه، ۱۳۲۲؛ ص ۸؛ دوره ۱۳، ۲۵ مهرماه، ۱۳۲۲؛ ص ۹۸؛ دوره ۱۳، ۳ اسفندماه، ۱۳۲۲؛ ص ۲۸.
- عتیق‌پور، محمد (۱۳۷۹). بلوای نان، فاجعه ۱۷ آذر ۱۳۲۱. تهران: شریف.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۴). بحران دموکراسی در ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۳). ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری. چاپ دوم. تهران: البرز.
- فوران، جان (۱۳۸۵). مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران. ترجمه احمد تدین. چاپ ششم. تهران: رسا.

شوکت افشاری؛ ابوالفضل رضوی: تأثیر جنگ جهانی دوم در بروز بحران نان و غلات در زنجان (۱۳۲۰-۱۳۲۲) ۲۶۳

عکس ها و تصویر اسناد



(سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ۳۱۴-۰۰۰-۲۹۰)



(سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ۱۷-۳۲۱-۲۶۰)

قطبی، بهروز (۱۳۸۱). گزیده اسناد جنگ جهانی دوم.

تهران: اطلاعات.

کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۴). اقتصاد ایران از

مشروطه تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه محمدرضا

نفیسی و کامبیز عزیزی. چاپ پنجم. تهران:

نشر مرکز.

کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۵۴). روس و انگلیس در ایران.

ترجمه منوچهرامیری. چاپ دوم. تهران: شرکت

سهامی کتاب‌های جیبی.

کرمانی کوهی، حسین (بی‌تا). از شهریور ۱۳۲۰ تا

فاجعه آذربایجان و زنجان. تهران: مظاهری.

لمبتون، آ. ک (۱۳۷۵). ایرانیان در عصر قاجار. ترجمه

سیمین فصیحی. مشهد: انتشارات جاویدان خرد.

مجد، محمدقلی (۱۳۸۷). قحطی بزرگ. ترجمه محمد

کریمی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های

سیاسی.

مصاحبه با ذبیح الله شاه محمدی دبیر بازنشسته زنجان

(۱۳۹۱). تابستان. زنجان.

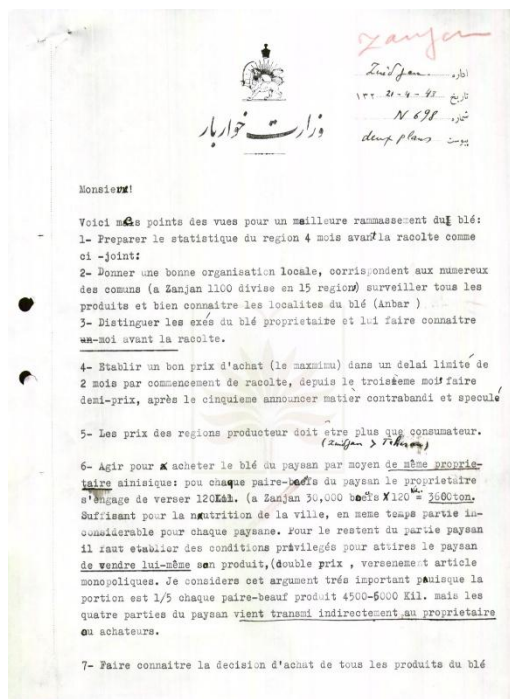
مکی، حسین (۱۳۷۴). تاریخ بیست ساله ایران. تهران:

علمی و فرهنگی.

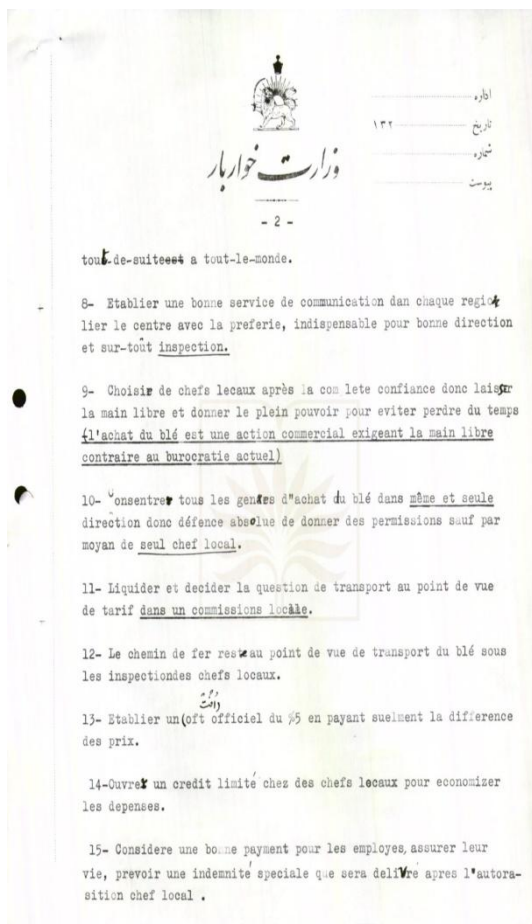
مهدینیا، جعفر (۱۳۸۲). زندگی سیاسی ابراهیم حکیمی

حکیم‌الملک. تهران: امید.

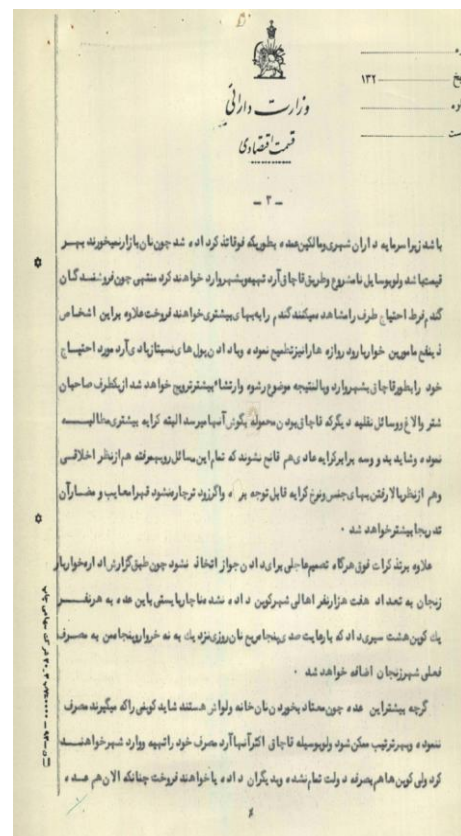
شوکت افشاری؛ ابوالفضل رضوی: تأثیر جنگ جهانی دوم در بروز بحران نان و غلات در زنجان (۱۳۲۰-۱۳۲۲) ۲۶۵



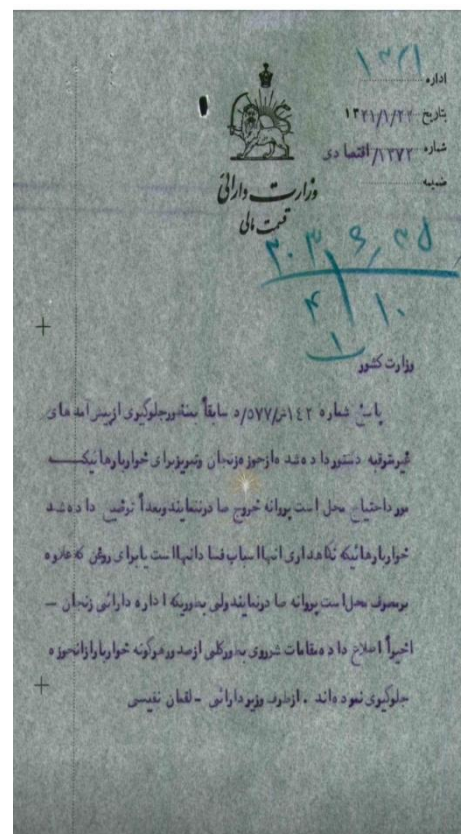
(سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ۵-۳۲۱-۲۶۰)



(سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ۶-۳۲۱-۲۶۰)



(سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ۷۶۶-۱۱-۲۴۰)



(سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ۹۲۶-۱۰-۲۴۰)

(اسناد مجلس، شماره ۳۵-۳۸-۲۹۳)

(سازمان اسناد و کتابخانه ملی، امان، شماره ۷-۳۲۱-۲۶۰)

(سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۸-۳۲۱-۲۶۰)

(سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ۹-۳۲۱-۲۶۰)